



Volume 4, Issue 4, 2024

Principles, Criteria and Challenges of Security-Oriented Legislative Criminal Policy

Mohammadreza Rahmani¹, Sadegh Moradi^{*2}, Masoud Alborzi Varki³, Davoud Karami⁴

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences, International University of Imam Khomeini, Qazvin, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 201-214

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +000000000000

Email:

sadeghmoradi.law@gmail.com

Article history:

Received: 07 Aug 2024

Revised: 12 Oct 2024

Accepted: 16 Nov 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Criminalization, Legislative Policy, Security, Criminology, Legal Paternalistic.

ABSTRACT

Iran's criminal policy, due to the characteristics of the authoritarian model, is facing challenges due to security, social, cultural, etc. This article tries to identify and analyze the challenges of criminal policy in the legislative field from a critical point of view. The current article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned subject by using the library method. The findings indicate that the principle of the political term (legal patriarchy), the principle of moralism, the principle of perfectionism and the principle of harm are among the most important principles governing security-oriented legal criminal policy. The principle of balance of evidence, the principle of prevention of damages. The principle of acceptance is one of the most important criteria for criminalization in security-oriented criminal policy. Security-oriented criminal policy is different in various models of liberal democratic, authoritarian and inclusive government. The security-oriented criminal policy faces challenges related to the determination of competencies and challenges related to the determination of competencies. The security-oriented criminal policy aims to eliminate or limit institutions such as reduction of punishment, suspension of sentencing, conditional release and suspension and postponement of prosecution, with criminal measures in the field of the government's response to deviations, intensifying the guarantee of executions and means of responding to the criminal phenomenon, extreme criminalization and at the most and punishing criminals, which will be the indirect result of applying such thinking in the field of criminal policy, violating the achievements of the human rights system.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Rahmani, M; Moradi, S; Alborzi Varki, M & Karami, D (2024). "Principles, Criteria and Challenges of Security-Oriented Legislative Criminal Policy". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(4): 201-214.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

اصول، معیارها و چالش‌های سیاست جنایی تقنینی امنیت‌مدار

محمدرضا رحمانی^۱، صادق مرادی^{۲*}، مسعود البرزی ورکی^۳، داود کرمی^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع)، قزوین، ایران.

۴. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

سیاست جنایی ایران، باتوجه به ویژگی‌های مدل اقتدارگرا، به دلایل امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و ... در مواجهه با آموزه‌های جرم‌شناسی تقنینی، با چالش‌هایی روبه‌رو است. این مقاله می‌کوشد تا چالش‌های سیاست‌گذاری جنایی در حوزه تقنینی را از نظرگاه انتقادی، شناسایی و تحلیل نماید. مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که اصل مصطلح سیاسی (پدرسالاری قانونی)، اصل اخلاق‌گرایی، اصل کمال‌گرایی و اصل ضرر از مهم‌ترین اصول حاکم بر سیاست جنایی تقنینی امنیت‌مدار است. اصل توازن ادله، اصل منع خسارت. اصل پذیرش از مهم‌ترین معیارهای جرم‌نگاری در سیاست جنایی امنیت‌گرا است. سیاست جنایی امنیت‌گرا در انواع مدل‌های دولت لیبرال دموکراتیک، اقتدارگرا و دولت فراگیر متفاوت است. سیاست جنایی امنیت‌گرا با چالش‌های مربوط به تعیین صلاحیت‌ها و چالش‌های مربوط به تعیین صلاحیت‌ها مواجه است. سیاست جنایی امنیت‌مدار با حذف یا محدودسازی نهادهایی چون تخفیف مجازات، تعلیق صدور حکم، آزادی مشروط و تعلیق و تعویق تعقیب در پی آن است تا با اقدامات کیفری در زمینه پاسخ دولتی به انحرافات، تشدید ضمانت اجراها و ابزارهای پاسخدهی به پدیده مجرمانه، جرم‌نگاری‌های افراطی و حداکثری، نادیده‌انگاری عنصر روانی و فرض مجرمیت در عوض اصل برائت و نیز تغییر زاویه دید حقوق کیفری از اصلاح و تربیت به سرکوب و سزادهی مجرمان نائل گردد که نقض دستاوردهای نظام حقوق بشری، نتیجه غیرمستقیم اعمال چنین تفکری در عرصه سیاست جنایی خواهد بود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۰۱-۲۱۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید:-.....-.....-.....

تلفن: +.....

ایمیل: sadeghmoradi.law@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

جرم‌نگاری، سیاست تقنینی، امنیت، جرم شناسی، پدرسالاری قانونی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

است؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از این که «به نظر می‌رسد مهم‌ترین معیارهای جرم‌انگاری در سیاست جنایی امنیت‌گرا عبارتند از: اصل توازن ادله، اصل منع خسارت و اصل پذیرش. تعیین صلاحیت‌ها و چالش‌های مربوط به تعیین صلاحیت‌ها از مهم‌ترین چالش‌های سیاست جنایی امنیت‌گرا است.» به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا اصول و در ادامه معیارهای جرم‌انگاری سیاست جنایی تقنینی امنیت‌مدار بررسی می‌شود.

۱- اصول جرم‌انگاری در سیاست جنایی تقنینی امنیت‌مدار

مسائلی خاص باعث باعث جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی خواهد شد. به طور مثال می‌توان وضعیتی را توصیف کرد، مانند جنگ یا کمبود منابع غذایی که موجب تشدید یا کاهش موارد مرتبط با جرم خواهد شد. به طور مثال در قالب قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان مصوب ۱۳۶۷ در جریان جنگ تحمیلی و کم‌شدن آذوقه ناشی از این جنگ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. آن چه در مرحله توافق بر جرم‌انگاری اهمیت دارد، توجه به بازدارندگی و اصلاح مجرمان است. در موارد مربوط به جرم‌انگاری یک عمل باید تمامی نکات لازم برای بازدارندگی بیشتر افراد از ارتکاب آن جرم پیش‌بینی شود. این مسأله با شدت مجازات و با در نظر گرفتن تمامی ابعاد حقوقی در قبال عمل مزبور امکان‌پذیر است، در ضمن نوع مجازات پیشنهادی قانون‌گذار باید به نحوی باشد که مسأله اصلاح مجرمان را بیش از پیش تأمین کند. از سوی دیگر در کنار تعیین مجازات باید از تدابیر و اهرم‌های فرهنگی و اجتماعی متنوع جهت پیشگیری از وقوع جرم بهره برد (افراسیابی و خوئینی، ۱۳۹۸: ۶-۱).

اصل جرم‌انگاری^۱ یکی از اصول حقوقی مهم است که در بسیاری از سیستم‌های حقوقی در سراسر جهان به کار می‌رود. این اصل به معنای آن است که هر فرد متهم برای تخلف یا جرمی مشخص، برخلاف اصل بر عکس، باید عنوان بی‌گناه در نظر گرفته شود تا زمانی که سازمان قضایی یا دادگاهی اثبات عکس را ارائه کند و او را مجرم قرار دهد. اصل جرم‌انگاری بر پایه حقوق انسانی و عدالت طبیعی استوار است. این اصل به فرد حق حضور در دادگاه را با تمام حقوق و ضمانت‌های مربوطه

سیاست جنایی با قدمتی نزدیک به یک قرن عبارت است از کلیه تدابیر و اقدامات پیشگیرانه و سرکوب‌گرانه که توسط دولت و جامعه مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر جهت پیشگیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم به کار برده می‌شود. سیاست جنایی برای کنترل جرم علاوه بر پاسخ‌های کیفری از مشارکت نهادهای اجتماعی نیز بهره‌مند می‌شود. حقوق کیفری یکی از ارکان سیاست جنایی است. وظیفه اساسی سیاست جنایی در یک کشور کنترل بزهکاری است. سیاست جنایی هدف‌دار جهت دستیابی به اهداف خود به ابزار کارآمدی احتیاج دارد که با توجه به ابزار مورد استفاده آن می‌توان آن را به سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی مشارکتی تقسیم نمود. سیاست جنایی تقنینی مجموعه‌ای از تدابیر مبارزه با بزهکاری را دربر می‌گیرد که در قانون متجلی شده است. ضمانت اجرایی قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی ضمن آن که صلاحیت قانونی دارد، معیار مبانی انواع دیگر آن بوده، بیانگر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر، سیاست جنایی تقنینی جزء اولین لایه از سیاست جنایی و حتی مبنای عملکرد قضات در اجرای این سیاست از اهمیت به‌سزایی برخوردار است که وابستگی به نظام سیاسی هر کشور از ویژگی مهم سیاست جنایی تقنینی در کشور می‌باشد، کریستین لازرژ سیاست جنایی تقنینی را چنین تعریف نموده است: «سیاست جنایی تقنینی را سلیقه قانون‌گذاران مختلف و انتخاب‌های آنان در انواع جرایم و مجازات‌ها به‌طور کلی نحوه مقابل با پدیده مجرمانه و دادرسی جرایم می‌داند که تبلور آن در قوانین مختلف هر جامعه، از جمله قوانین کیفری شکلی و ماهوی منعکس می‌شود.» به عبارت دیگر سیاست جنایی، جهت مبارزه مؤثر با جرایم از دو رویکرد تبعیث می‌نماید: رویکرد اول، مبارزه با جرایم از طریق جرم‌انگاری تعیین کیفر می‌باشد؛ رویکرد دوم، مبارزه با جرایم از طریق غیرکیفر و پیشگیری‌های اجتماعی وضعی می‌باشد (علی‌نژاد ساروکلائی، ۱۳۹۰: ۱۲). براساس آنچه گفته شد، هدف مقاله بررسی این سؤال است که اصول، معیارها و چالش‌های جرم‌انگاری سیاست جنایی تقنینی امنیت‌مدار کدام

¹- Presumption of Innocence

پدرسالاری قانونی قصد بیان این موضوع را دارند که اساساً حق مداخله دولت در تمام امور بلامانع است و شاید این‌گونه بتوان گفت که از نظر این دسته از نظریه‌پردازان اصل بر مداخله دولت در امور خصوصی و اجتماعی بشر است و کسانی که بخواهند دولت را از مداخله در برخی امور بازدارند نیاز به ارائه بینه دارند، پدرسالاری قانونی می‌تواند جرم‌انگاری پاره‌ای از رفتارها را هم در حوزه عمومی و هم در حوزه خصوصی موجه سازد و همان‌گونه که بیان گردید، توجیه و دلیل خوبی برای ورود دولت در حوزه‌های خاص باشد (کونانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۳-۴۱).

۱-۲- اصل اخلاق‌گرایی

اصل اخلاق‌گرایی قانونی^۲ به معنای رعایت اصول و قوانین اخلاقی در فرآیند تدوین و اجرای قوانین است. این اصل بر اهمیت حفظ ارزش‌ها، احترام به حقوق و آزادی‌های انسانی و پاسخگویی به نیازها و توقعات جامعه تأکید می‌کند. رسانه‌ها نیز باید در انتشار اخبار و اطلاعات مربوط به جرایم، از اصل اخلاق‌گرایی قانونی پیروی کنند و در انتشار خبرها، از اصول اخلاقی مانند عدم تحریف و تحجیم اطلاعات، عدم ترویج تبعیض و تحامل، رعایت حریم خصوصی و عدم آسیب‌رسانی به شخصیت و شرافت افراد پیروی کنند. به‌علاوه، رسانه‌ها باید در گزارش‌های خود به مسؤولیت اجتماعی خود پاسخ دهند و در انتشار اخبار، توجه به توازن بین حقیقت، آزار و اذیت افراد داشته باشند. آن‌ها باید به دقت و صحت در انتشار اطلاعات توجه کنند و از منابع معتبر استفاده کنند.

به‌طور کلی، رسانه‌ها با رعایت اصل اخلاق‌گرایی قانونی، می‌توانند به حفظ ارزش‌ها و حقوق افراد در جامعه کمک کنند. آن‌ها مسؤولیت دارند که با انتشار اخبار و اطلاعات متعادل و عادلانه، به جامعه اطلاعات صحیح و قانونی را ارائه دهند و در عین حال اصل اخلاق‌گرایی قانونی را رعایت کنند (حاجی ده آبادی، ۱۴۰۲: ۴۸).

اصل اخلاقی‌شدن حقوقی^۳ به این ایده اشاره دارد که هیچ فرد یا نهادی را نمی‌توان از قوانین موجود مستثنی کرد و همه افراد

می‌دهد و تضمین می‌کند که هیچ فردی بدون داشتن اثبات قانونی از جرم خود متهم نشود. همچنین اصل جرم‌انگاری محافظتی است برای جلوگیری از سوءاستفاده قدرت و تعقیب و تحقیق نادرست از سوی نهادهای قضایی. به‌طور کلی، برای محکومیت یک فرد باید مجموعه‌ای از شواهد و اثبات‌های قانونی به‌عنوان دلایل محکومیت ارائه شود. در صورتی که این شواهد و اثبات‌ها نتایج قانونی را نشان دهند، فرد متهم ممکن است محکوم شده و مجازاتی اعمال شود. در غیر این صورت، فرد باید به‌عنوان بی‌گناه در نظر گرفته شود. اصل جرم‌انگاری همچنین به عدالت در فرآیند قضایی و تعامل با سازمان‌های قضایی کمک می‌کند. این اصل به فرد حق دفاع مناسب را می‌دهد و تضمین می‌کند که هیچ‌کس نباید خود را مجبور به اثبات بی‌گناهی کند، بلکه بار اثبات گناهی بر دوش نهاد قضایی است. در نتیجه اصل جرم‌انگاری به‌عنوان یک اصل حقوقی بسیار مهم و ضروری در حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان و تضمین عدالت در فرآیند قضایی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Bagaric, 2001: 125).

۱-۱- اصل مصطلح سیاسی (پدرسالاری قانونی)

اصل مصطلح سیاسی یا به اصطلاح اصل پدرسالاری قانونی^۱ به معنای این است که هیچ فرد یا نهادی نمی‌تواند از قوانین موجود مستثنی شود و همه افراد باید برابر در مقابل قانون باشند. این اصل در حفظ عدالت و تضمین حقوق همه افراد بسیار مهم است. رسانه‌ها نیز باید در انتشار اخبار و اطلاعات مربوط به جرایم، از اصل پدرسالاری قانونی پیروی کنند و همه افراد را برابر در مقابل قانون مورد بررسی قرار دهند. آن‌ها نباید با تحجیم یا تحریف اطلاعات، تفاوت در رویکرد خود نسبت به متهمان ایجاد کنند و باید همه افراد را برابر در مقابل قانون مورد بررسی قرار دهند (کونانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۵-۹۵).

اصل فوق‌الذکر مبنای بسیاری از مداخلات دولت در امور بشری بوده و به‌نظر نگارنده شاید، مهم‌ترین استثنای وارده بر اصل استقلال فردی نیز محسوب گردد، طرفداران مداخله دولت در امور حوزه خصوصی با تمسک صریح یا تلویحی به اصل

³- Legal Moralization Principle

¹- Legal Paternalism Principle

²- Legal Moralization Principle

اخلاق‌گرا به جنبه‌های زندگی بشر است. براساس پایه نظری این، اصل می‌توان گفت ممنوعیت رفتاری که فی‌النفسه امری غیراخلاقی محسوب می‌گردد، مجاز شمرده می‌شود، اعم از این که در نتیجه این رفتار ضرر به غیر یا شخص مرتکب برسد یا خیر، بسیاری از مداخلات دولت در حوزه خصوصی اعم از اعمال خلاف، اخلاق انحطاطات اخلاقی و ... در نتیجه قراردادان اصل مزبور به‌عنوان مبنای جواز مداخله دولت می‌باشد (فرآنکواس، ۱۳۹۲: ۲۳۴).

۱-۴- اصل ضرر

از جمله اصولی که به نوعی مرز بین مداخله حکومت با وضع قوانین و مقررات در این حوزه را مشخص می‌نماید، اصل ضرر می‌باشد. مطابق با این اصل هنگامی یک نوع عمل باعث ایجاد نگرانی در دولت خواهد شد که این عمل باعث بروز زیان به شخص دیگری شود، به‌علاوه آن که برابر با تفکراتی نظیر لیبرال، اصل ضرر تنها ادله به‌منظور جرم‌انگاری است (رضائی تودشکی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴۱)، ولی موضع لیبرال‌ها عموماً این است که در حد فاصل میان اصل ضرر و مزاحمت، طیفی از دلایل مناسب برای ممنوعیت‌های کیفری وجود دارد. اتکا بر اصل ضرر همچون معیاری برای جرم‌انگاری کمتر زمینه‌ساز مداخلات جرم‌انگاران حریم خصوصی است، حتی به نوعی می‌توان: گفت فلسفه پیش‌بینی اصل ضرر، به‌ویژه اگر تنها معیار توجیه‌گر جرم‌انگاری به‌شمار آید، صیانت از حریم خصوصی در برابر مداخلات دولت است و الا در برخی از تفاسیر این اصل، حتی حق جرم‌انگاری رفتارهای داخل در حریم خصوصی را جائز می‌داند، به‌عنوان مثال در تفسیر موسع از اصل، ضرر تعمیم معنای ضرر از آسیب‌های مادی و محسوس به ضررهای معنوی و تدریجی است یا در تفسیر دیگر که می‌کوشد با برجسته‌سازی تأثیر متقابل رفتار آدمیان بر یکدیگر ثابت کند که هر رفتار ناروایی، حتی آنگاه که در ظاهر به ضرر خود مرتکب است، سرانجام بر افراد مرتبط با فاعل و رفته‌رفته بر تمام جامعه تأثیر می‌گذارد (میری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸۲-۲۵۹). اصل ضرر، همچنین به‌عنوان اصل ضرر جان استوارت میل شناخته می‌شود، اصلی است که نشان می‌دهد تنها هدفی

باید در برابر قانون برابر باشند. این اصل در تأمین عدالت و تضمین حقوق همه افراد حیاتی است. رسانه‌ها نیز باید در انتشار اخبار و اطلاعات مربوط به جرایم، اصل اخلاقی‌سازی قانونی را رعایت کنند و با همه افراد در برابر قانون یکسان رفتار کنند. آن‌ها نباید با تحریف یا دستکاری اطلاعات در رویکرد خود نسبت به مظنونان تفاوت ایجاد کنند و باید همه افراد را تحت نظارت یکسان قانون قرار دهند. همچنین رسانه‌ها باید از تبعیض و تعصب نسبت به افراد مختلف در انتشار اخبار جنایی خودداری کنند و با همه افراد در برابر قانون یکسان رفتار کنند. آن‌ها نباید با انتشار اخبار تحریف شده یا تمرکز بیش از حد بر جنبه‌های منفی، تبعیض و تعصب را ترویج کنند و باید جزئیات قضایی و مظنونان را به‌طور متعادل و منصفانه گزارش دهند.

۱-۳- اصل کمال‌گرایی

اصل کمال‌گرایی قانونی^۱ به ایده‌ای اشاره دارد که هیچ فرد یا نهادی نمی‌تواند از قوانین موجود معاف شود و همه افراد باید در برابر قانون برابر باشند. این اصل در تضمین عدالت و تضمین حقوق تمام افراد بسیار مهم است. رسانه‌ها نیز باید در انتشار خبرها و اطلاعات مربوط به جرایم به اصل کمال‌گرایی قانونی پایبند و باید تمام افراد را پیش قانون برابر باشند. آن‌ها نباید با تحریف یا تلاعب در اطلاعات، تفاوت‌ها را در رویکرد خود به مظنونان ایجاد کنند و باید تمام افراد را در برابر قانون به معاینه برابر تحت تأثیر قرار دهند.

به‌طور کلی برداشت‌های متفاوت و سلیقه‌ها و تفسیر به رأی اصول مذکور، مداخله حداکثری دولت را در حوزه خصوصی جائز شمرده و نظر به توجیه و جواز مداخله دولت در تمام امور زندگی و فردی افراد دارد، البته به طریق اولویت می‌توان نتیجه گرفت که همین اصول و مبانی نظری را می‌توان به جواز مداخله دولت در حوزه عمومی نیز تعمیم داد و در نظر کسانی که مداخله دولت را در حوزه عمومی نیز جائز می‌دانند می‌توان اصول مذکور را صریح یا تلویحی مشاهده نمود (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۵: ۵۶). از جمله دیگر اصول که حق مداخله ورود دولت و تجویز مقررات در حوزه حریم خصوصی را جائز قلمداد می‌نماید، اصل اخلاق‌گرایی قانونی است؛ نتیجه این رویکرد نوعی نگاه

^۱ - Legal Perfectionism Principle

دزدی، تجاوز و ... باشد. همچنین مجازات‌های مناسب برای این اقدامات می‌تواند شامل حبس، جریمه، محرومیت از حقوق شهروندی و ... باشد. همچنین تدابیر پیشگیرانه مانند افزایش نظارت پلیسی، افزایش امنیت عمومی و آموزش‌های آگاهی جنایی نیز می‌تواند در سیاست جنایی امنیت‌گرا اتخاذ شود. به طور کلی، معیارهای جرم‌انگاری در سیاست جنایی امنیت‌گرا براساس اصل ضرر عمل می‌کنند و تلاش می‌کنند تا با تعیین مجازات‌های سخت و اعمال تدابیر پیشگیرانه مناسب، آسیب رساندن به دیگران را کاهش دهند و امنیت جامعه را حفظ کنند (Galeotty, 2005: 115).

۲-۱- توازن ادله

معیار توازن ادله در سیاست جنایی امنیت‌گرا به معنای در نظر گرفتن و توازن دادن به تمام ادله و عوامل مرتبط در تصمیم‌گیری‌های سیاست جنایی است. این معیار براساس اصل عدالت و منطقی عمل می‌کند و تلاش می‌کند تا بهترین ترکیب ممکن از معیارهای جرم‌انگاری را برای حفظ امنیت جامعه و حقوق فردی ارائه دهد. برای دستیابی به توازن ادله، در سیاست جنایی امنیت‌گرا باید به تمام ابعاد و عوامل مرتبط با جرم و جنایت توجه شود. این عوامل شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی است که در تعیین معیارها و تدابیر جنایی نقش دارند. به عبارت دیگر، در تصمیم‌گیری‌های سیاست جنایی، باید به تأثیرات اقدامات جنایی بر جامعه، حقوق فردی و عدالت اجتماعی توجه کرد و تلاش کرد تا بهترین ترکیب ممکن از معیارها و تدابیر را برای کاهش جرم و حفظ امنیت ارائه دهد. به عنوان مثال، در سیاست جنایی امنیت‌گرا، باید به تأثیرات منفی اقدامات جنایی بر جامعه و افراد توجه شود (بهادران و آقاسی، ۱۳۹۹: ۹۱). این تأثیرات ممکن است شامل فزاینده شدن نرخ جرم، کاهش اعتماد عمومی، آسیب رساندن به حقوق فردی و ... باشد. برای کاهش این تأثیرات، ممکن است معیارهای جرم‌انگاری شامل تعریف دقیق اقدامات جنایی، تعیین مجازات‌های مناسب و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه برای کاهش شانس وقوع جرم باشد. به طور کلی، معیار توازن ادله در سیاست جنایی امنیت‌گرا به معنای در نظر گرفتن و توازن دادن به تمام ادله و عوامل مرتبط در تصمیم‌گیری‌های سیاست جنایی است. این معیار براساس اصل عدالت و منطقی عمل

که قدرت می‌تواند به طور مشروع بر یک فرد به خلاف اراده او تحمیل شود، جلوگیری از آسیب رساندن به دیگران است. طبق این اصل، افراد حق دارند زندگی خود را به دلخواه خود زندگی کنند تا زمانی که اعمال آن‌ها به دیگران آسیب نرساند.

میل ادعا کرد که جامعه باید دخالت محدود در آزادی‌های فردی داشته باشد و تنها در مواقعی دخالت کند که اقدامات شخصی مستقیماً به دیگران آسیب برساند. او باور داشت که افراد باید آزاد باشند تا به خوشبختی خود پی ببرند و تصمیمات خود را بگیرند، حتی اگر این تصمیمات توسط دیگران غیرمعمول یا اخلاقی قابل تقدیر تلقی شوند. اصل ضرر به عنوان یک اصل بنیادی برای دموکراسی لیبرال و حقوق فردی عمل می‌کند و اهمیت استقلال شخصی و محدود کردن دخالت دولت در زندگی مردم را تأکید می‌کند. با این حال، این اصل نیز سؤالاتی درباره تعریف آسیب و تعیین زمانی که اقدامات یک فرد خط را گذاشته و به دیگران آسیب می‌رساند، به وجود می‌آورد. به طور کلی، اصل ضرر ایده را ترویج می‌کند که افراد باید آزاد باشند تا زندگی خود را به دلخواه خود زندگی کنند، تا زمانی که به حقوق و رفاه دیگران تجاوز نکنند (Gaishankar, 2011: 45).

۲-۲ معیارهای جرم‌انگاری در سیاست جنایی امنیت‌گرا

روش و معیارهای جرم‌انگاری در سیاست جنایی امنیت‌گرا به طور کلی براساس اصل ضرر عمل می‌کنند. این معیارها براساس تأثیرات منفی و آسیب‌هایی که اقدامات جنایی بر جامعه و افراد دارند، تعیین می‌شوند. به عبارت دیگر، هدف از اعمال معیارهای جرم‌انگاری، جلوگیری از آسیب رساندن به دیگران و حفظ امنیت و آرامش جامعه است. معیارهای جرم‌انگاری در سیاست جنایی امنیت‌گرا ممکن است شامل تعریف دقیق اقدامات جنایی، تعیین مجازات‌های مناسب برای آن‌ها و تدابیر پیشگیرانه برای کاهش شانس وقوع جرم باشد. هدف اصلی این معیارها، حفظ امنیت عمومی و حقوق فردی است و تلاش می‌کنند تا با تعیین مجازات‌های سخت و اعمال نظارت مناسب، افراد را از انجام اقدامات جنایی منع کنند (مندنی و آشوری، ۱۳۹۲: ۱۹۱).

به عنوان مثال، در سیاست جنایی امنیت‌گرا، معیارهای جرم‌انگاری ممکن است شامل تعریف دقیق اقداماتی مانند قتل،

مزاحمت به دلیل اجرای قوانین نباید موجب سلب آسایش آنان گردد. حال واکنش در مقابل برخی رفتارهایی که در حوزه دخالت جامعه قرار می‌گیرد با اجبار مادی مجازات‌های قانونی مواجه شده، اما دیگر اعمالی که در این حوزه دخالت جامعه وجود دارد، صرفاً مشمول اجبار اخلاقی افکار عمومی خواهند بود (Mill Stuart, 1859: 65).

در این خصوص باید در نظر داشت که مفهوم آزادی فردی در تعریف موسع از بسته یا تحت تأثیر هیچ محدودیتی نخواهد بود، اما در مقابل و در تعریف مضیق از آزادی‌های فردی باید این امر را در نظر داشت که مقوله آزادی فردی با اصل خسارت یا همان اصل ضرر محدود خواهد شد. حال باتوجه به این موارد نقش رسانه در قبال این سیاست و همچنین نقض آزادی شهروندان به واسطه محدودیت‌های اعمال شده از سوی حاکمیت بسیار پررنگ‌تر خواهد بود. دولت در مواردی باعث سلب آسایش شهروندان خواهد شد که بروز ضرر و آسیب منشأ آن باشد، اما مطابق اصل فوق نباید این نیز بهانه‌ایی به جهت سلب آزادی باشد. رسانه‌ها بازتاب اخبار جامعه در سطح کلی هستند و نسبت به انتشار صحیح آن مسؤول می‌باشند. طبیعتاً در مواردی از این دست نقش رسانه همچنان که می‌تواند صدای رسای شهروندان باشد، می‌تواند با عنوان ابزار پیشبرد اهداف و قوانین و اصول حاکمیت در سیاست جنایی جامعه باشد. حاکمیت در اجبار مادی با این مسأله نسبت مجازات‌هایی اقدام خواهد کرد، اما در مواردی که اعمال در حوزه دخالت جامعه باشد، صرفاً باید اجبار اخلاقی جامعه مد نظر قرار گیرد.

۲-۳- پذیرش

«اساس این معیار این است که در جرم‌انگاری یک رفتار قبل از هر چیز باید به واکنشی که شهروندان نسبت به آن نشان خواهند داد، توجه شود، البته نمی‌توان براساس این معیار به تنهایی جامعه را مقام تشخیص قرار داد، چراکه بسیاری از رفتارها را جامعه جرم قلمداد می‌نماید، حال آن‌که باتوجه به معیار قبلی معیار توازن دلایل شاید هزینه‌های جرم‌انگاری آن نسبت به عدم جرم‌انگاری کمتر بوده و از این جهت فایده عدم جرم‌انگاری آن رفتار نسبت به جرم‌انگاری آن بیشتر باشد» (قناد، ۱۳۹۶: ۶۷-۳۹)، البته شاید در فرضی، جامعه رفتاری را

می‌کند و تلاش می‌کند تا بهترین ترکیب ممکن از معیارهای جرم‌انگاری را برای حفظ امنیت جامعه و حقوق فردی ارائه دهد (Greenberg & Brotman, 2014: 79-98).

رسانه‌ها نقش مهمی در تعیین معیارها و تدابیر جنایی و درنهایت در توازن ادله در سیاست جنایی دارند. رسانه‌ها می‌توانند با ارائه اطلاعات صحیح و دقیق درباره جرم و جنایت، تأثیر مستقیمی بر تصمیم‌گیری‌های سیاست جنایی داشته باشند.

با ارائه اطلاعات صحیح و دقیق درباره عوامل و ابعاد مختلف جرم و جنایت، رسانه‌ها می‌توانند به توسعه آگاهی عمومی و فهم صحیح از مسائل جنایی کمک کنند. این آگاهی عمومی می‌تواند به تشکیل نظرات عمومی پیرامون معیارها و تدابیر جنایی کمک کند و در نتیجه به توازن ادله در سیاست جنایی کمک کند. علاوه بر این، رسانه‌ها می‌توانند با گزارش‌ها و تحلیل‌های خود درباره تأثیرات اقدامات جنایی بر جامعه و حقوق فردی، به توازن ادله در سیاست جنایی کمک کنند. با ارائه اطلاعات درباره تأثیرات منفی اقدامات جنایی بر جامعه، رسانه‌ها می‌توانند به تأکید بر ضرورت کاهش جرم و حفظ امنیت کمک کنند. بنابراین رسانه‌ها با ارائه اطلاعات صحیح و دقیق و تحلیل‌های مناسب درباره جرم و جنایت، می‌توانند به توازن ادله در سیاست جنایی کمک کنند و در نتیجه به تصمیم‌گیری‌های سیاست جنایی منطقی و عادلانه کمک کنند (Greenwoog, 2006: 125).

البته انتقاداتی بر این معیار نیز وارد شده است، ویژگی‌های موجود در یک رفتار مشخص، دلیل اساسی جرم‌انگاری آن محسوب نمی‌گردد، زیرا ممکن است اصول متفاوتی در مقابل آن اصل قرار بگیرد و صورت دیگری از قانون‌گذاری را توجیه کند (دلماس مارتی، ۱۳۹۵: ۲۸).

۲-۲- منع خسارت

در جوامع مختلف به واسطه وجود مجموعه آزادی‌هایی، نباید این امکان وجود داشته باشد که به دلیل ایجاد ضرر و زیان این آزادی از سوی حاکمیت محدود شود. نمی‌توان از این امر چشم پوشید که دخالت‌های حاکمیت در امور شهروندان و ایجاد

با دلایل قاطع احراز نماید که جزء مجازات راه حل دیگری برای جلوگیری از آن وجود ندارد.

۳- مدل‌های سیاست جنایی امنیت‌مدار

از آنجا که سال‌هاست که قانون‌گذار با اتخاذ تدابیر سرکوبگر و قهرآمیز درصد پاسخ به یک‌سری بی‌نظمی‌ها اعم از انحرافات گناه‌ها و ناامنی‌ها و حتی پاسخ به احساسات تهییج‌شده مقطعی، تلاش می‌نماید به وضع قوانین کیفری بپردازد، لزوم اتخاذ سیاستی مستقل، باثبات، غیرهیجانی و غیرمقطعی در تقنین کیفری احساس می‌شود. زمانی که قانون‌گذار با رویکردی امنیت‌گرا در بحران‌های مقطعی به دنبال احساسات تهییج‌شده تنها راه کنترل جرم و پاسخ به بی‌نظمی‌های ظاهری را بدون توجه به مبنا و هدف و کارکردهای مجازات با توسل به شدیدترین نوع مجازات‌ها و با نگاهی پدرسالارانه، در حوزه‌های بسیار حساس انحرافات، حریم‌های خصوصی و ضروری اقدام به جرم‌انگاری و کیفرانگاری نماید، باید اذعان نمود که خط مشی خود را از عدالت کیفری به راهی دیگر تغییر داده است و این بحران عظیمی محسوب می‌گردد (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۲۰).

در نظام‌های مختلف سیاسی وضعیت قانون‌گذاری متفاوت است. در عمده این نظام‌ها از نهاد واحد قانون‌گذاری استفاده شده است، اما در برخی نیز مراجع متعدد قانون‌گذاری را می‌توان یافت. در جمهوری اسلامی ایران اصل بر صلاحیت عام مجلس شورای اسلامی در قانون‌گذاری است، اما همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، نهادهای دیگری هم تا حدودی مجاز به تصویب قانون در موضوع و موارد خاص و مشخص شده‌اند. به عبارت دیگر قانون‌گذاری در برخی زمینه‌های خاص به سایر نهادها واگذار شده است که درخصوص جرم‌انگاری و کیفرانگاری به عنوان ابزارهای تقنینی، کیفری الزاماً با توجه به تخصصی بودن لازمه مرجع واحد، مستقل، تخصصی و فنی است.

۳-۱- مدل سیاسی جنایی ایدئولوژیک

مستوجب مجازات بدانند، درحالی که راه مقابله با آن غیرکیفری، نه صرفاً تدابیر قهرآمیز کیفری باشد.

بنابراین می‌توان این‌گونه بیان نمود که صرف جرم‌دانستن رفتار نه‌تنها کارساز نخواهد بود، بلکه ضرر و خساراتی نیز به بار خواهد آورد. زمانی که رفتاری را قانون‌گذار جرم قلمداد می‌نماید، ولی سازوکارهای اجرایی آن عملاً مهیا نباشد، به‌نظر می‌رسد راهی عبث پیموده و موجبات سردرگمی و بی‌اعتمادی مردم را فراهم آورده است. حال می‌توان نقش رسانه را در این خصوص نیز بسیار حائز اهمیت دانست. رسانه‌ها می‌توانند با ارائه اطلاعات در مورد اثرات منفی اعمال مجرمانه بر جامعه بر لزوم کاهش جرم و حفظ امنیت تأکید کنند، به‌علاوه باید اشاره داشت که معیاری دیگر نیز در این خصوص مطرح است، تحت عنوان معیار پالایش^۱ که به‌نوعی به‌منظور جرم‌انگاری مجموعه اصولی سه‌گانه مورد تعریف قرار گرفته است که در صورت تأیید این سه مقوله می‌توان موضوع مد نظر را مورد جرم‌انگاری قرار داد. مطابق این سه مقوله یا به‌عبارت دیگر سه فیلتر، دولت باید ابتدا درخصوص جرم‌انگاری، تشخیص دهد رفتار مورد نظر براساس یک‌سری اصول نظری^۲ تحت صلاحیت قضایی جامعه و در توان و اقتدار دولت است یا خیر! در ادامه باید دید که جرم مذکور در تضاد با ارزش‌های جامعه می‌باشد، اثبات گردد که برمبنای پاره‌ای اصول و مبانی، نظری دولت به مداخله در حوزه حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان از طریق ایجاد ممنوعیت و محدودیت کیفری پرداخته است.

پس طبق صافی پیش‌فرض‌ها اگر اقدامات غیرسرکوبگر مانع مناسبی برای رفتار خلاف ارزش‌های جامعه باشد، می‌توان به این دسته از اقدامات متوسل شد و در این صورت حق جرم‌انگاری رفتار مذکور را به هیچ‌وجه نخواهیم داشت، پس همان‌گونه که بیان گردید، اگر نتوان از اقدامات غیرسرکوبگر برای مقابله با رفتار خلاف ارزش‌های جامعه بهره گرفت، می‌توان به جرم‌انگاری آن رفتار اقدام نمود، بنابراین حکومت باید تنها زمانی به جرم‌انگاری یک رفتار متوسل شود که بتواند

²- Principle Filter

¹- Refining Criteria

داشته باشد. رسانه‌ها می‌توانند نقشی فعال در اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی عمومی درباره سیاست‌های جنایی داشته باشند و به عنوان یک واسطه بین دولت و جامعه عمل کنند.

در طبقه‌بندی ایدئولوژیک، رسانه‌ها می‌توانند نقشی مثبت یا منفی در ترویج و اجرای مدل‌های سیاست جنایی داشته باشند. به‌عنوان مثال، رسانه‌ها می‌توانند با ارائه اطلاعات صحیح و دقیق درباره آمار جرم و جنایت، نقشی مثبت در ترویج مدل پیشگیری داشته باشند و به جامعه کمک کنند تا درک بهتری از عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در جرم و جنایت پیدا کند. همچنین رسانه‌ها می‌توانند نقشی منفی در ترویج مدل انتقام داشته باشند. به‌عنوان مثال، اگر رسانه‌ها بر روی جرم و جنایت تمرکز زیادی داشته باشند و به‌طور مداوم خبرهای منفی را منتشر کنند، ممکن است مدل انتقام در جامعه ترویج شود و تمرکز بیشتری بر تنبیه و انتقام‌گیری از جنایتکاران داشته باشد. بنابراین رسانه‌ها می‌توانند نقشی مهم در ترویج و اجرای مدل‌های سیاست جنایی داشته باشند و باید با دقت و هوشمندی در این زمینه عمل کنند تا به جامعه کمک کنند تا درک بهتری از عوامل مؤثر در جرم و جنایت پیدا کند و سیاست‌های جنایی مناسب را اجرا کند (Tilly, 2012: 85).

۲-۳- دولت لیبرال

در مدل دولت لیبرال، سیاست‌های جنایی براساس احترام به حقوق و آزادی‌های فردی و حفظ نظم عمومی تنظیم می‌شود. رسانه‌ها در این مدل می‌توانند نقش مثبتی در ترویج این سیاست‌ها داشته باشند. به‌عنوان مثال، رسانه‌ها می‌توانند با ارائه اطلاعات صحیح و دقیق درباره حقوق و آزادی‌های فردی و نحوه حفظ نظم عمومی، به جامعه کمک کنند تا درک بهتری از این مفاهیم پیدا کند و سیاست‌های جنایی مناسب را اجرا کند. همچنین رسانه‌ها می‌توانند با ترویج فرهنگ قانون‌مداری و احترام به حقوق دیگران، به تقویت نظم عمومی و پیشگیری از جرم و جنایت کمک کنند. به‌طور کلی، در مدل دولت لیبرال، رسانه‌ها می‌توانند نقشی مثبت در ترویج و اجرای سیاست‌های جنایی داشته باشند. با ارائه اطلاعات صحیح و دقیق، ترویج فرهنگ قانون‌مداری و احترام به حقوق دیگران و تمرکز بر پیشگیری از جرم و جنایت، رسانه‌ها می‌توانند به جامعه کمک

مدل‌های سیاست جنایی می‌توانند براساس طبقه‌بندی ایدئولوژیک متفاوتی تشکیل شوند. در زیر چند مدل ایدئولوژیک رایج در سیاست جنایی آورده شده است:

۳-۱-۱- **مدل پیشگیری**: این مدل بر این اصل تأکید دارد که سیاست جنایی باید برای جلوگیری از جرم و کاهش نرخ جرم و جنایت تمرکز کند. این مدل معتقد است که با ایجاد شرایط اجتماعی و اقتصادی مناسب، بهبود آموزش و بهداشت عمومی و ارائه فرصت‌های شغلی، می‌توان جرم و جنایت را کاهش داد (Rabinson & Crown, 2009: 75).

۳-۱-۲- **مدل انتقام**: این مدل بر این اصل تأکید دارد که سیاست جنایی باید بر پاسخگویی و انتقام‌گیری از جنایتکاران تمرکز کند. در این مدل، مجازات‌ها به‌عنوان ابزاری برای تنبیه و انتقام از جنایتکاران استفاده می‌شوند و هدف اصلی آن ایجاد ترس و پیشگیری از جرم است.

۳-۱-۳- **مدل رفع آسیب**: این مدل بر این اصل تأکید دارد که سیاست جنایی باید بر رفع آسیب‌های اجتماعی و فردی که توسط جرم و جنایت ایجاد می‌شود، تمرکز کند. در این مدل تلاش می‌شود تا با ارائه خدمات رفاهی، حمایت روان‌شناختی و فرصت‌های تحصیلی و شغلی، جرم و جنایت را کاهش داد و آسیب‌های اجتماعی را به حداقل برساند (Rafer & Brown, 2011: 35).

۳-۱-۴- **مدل حقوق بشر**: این مدل بر این اصل تأکید دارد که سیاست جنایی باید بر احترام به حقوق انسانی و آزادی‌های فردی تمرکز کند. در این مدل، حقوق مدنی و سیاسی فرد و حقوق متهمان در دادگاه به‌عنوان اصول اساسی در نظر گرفته می‌شوند و هدف اصلی آن حفظ حقوق و آزادی‌های فردی است. این مدل‌ها ممکن است با توجه به جغرافیا، فرهنگ و سیستم حقوقی هر کشور متفاوت باشند. همچنین بسیاری از سیاست‌های جنایی در عمل از ترکیبی از این مدل‌ها استفاده می‌کنند و هدف آن‌ها تعادل بین پیشگیری، انتقام، رفع آسیب و حفظ حقوق انسانی است (Summers, 2007: 65).

نقش رسانه در سیاست جنایی بسیار مهم است و می‌تواند تأثیر قابل توجهی در شکل‌گیری و اجرای مدل‌های سیاست جنایی

دولت فراگیر در سیاست جنایی به معنای دخالت و نفوذ گسترده دولت در مسائل مربوط به جرم و جنایت است. این نوع سیاست جنایی به هدف کاهش جرم و جنایت و افزایش امنیت اجتماعی توسط دولت انجام می‌شود. دولت فراگیر در سیاست جنایی ممکن است شامل اقداماتی مانند تشدید مجازات‌ها، افزایش تعداد نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی، تشدید نظارت و کنترل بر فعالیت‌های مشکوک، ترویج فرهنگ قانون‌مداری و ارتقای آگاهی عمومی درباره جرم و جنایت و ... باشد.

با این حال، دولت فراگیر در سیاست جنایی نمی‌تواند تنها راه حل برای کاهش جرم و جنایت باشد. برخی از منتقدان این رویکرد معتقدند که تمرکز بیش از حد بر قدرت دولت و تشدید مجازات‌ها ممکن است منجر به نقض حقوق اساسی شهروندان و افزایش سطح سرکوب و خشونت در جامعه شود، به علاوه برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که فقط افزایش تشدید مجازات‌ها و نیروهای امنیتی نمی‌تواند به تنهایی جرم و جنایت را کاهش دهد. به عنوان مثال، برخی از عوامل اجتماعی و اقتصادی مانند فقر، بیکاری، عدم دسترسی به آموزش و سایر فرصت‌های اجتماعی می‌توانند عوامل مؤثر در افزایش جرم و جنایت باشند.

بنابراین برای رسیدن به یک سیاست جنایی مؤثر و پایدار، لازم است دولت به همراه تشدید مجازات‌ها و تقویت نیروهای امنیتی، بر روی عوامل اجتماعی و اقتصادی نیز تمرکز کند و سیاست‌هایی را اجرا کند که به کاهش فقر، بیکاری، افزایش فرصت‌های اجتماعی و آموزشی و بهبود شرایط زندگی جامعه کمک کند (Greenberg & Brotman, 2014: 79-98).

۴- چالش‌های مرتبط با سیاست جنایی

در این قسمت به بررسی چالش‌های مرتبط با سیاست جنایی پرداخته می‌شود.

۴-۱- چالش‌های مربوط به تعیین صلاحیت‌ها

رسیدگی به جرایم علیه امنیت در صلاحیت محاکم انقلاب است، سیاست جنایی دیوان عالی کشور در تعیین این صلاحیت‌ها تحت تأثیر برخی عوامل غیرحقوقی، متغیر بوده است و نمی‌توان گفت که همیشه مبتنی بر مبانی و اصول یکسان انجام

کنند تا درک بهتری از عوامل مؤثر در جرم و جنایت پیدا کند و سیاست‌های جنایی مناسب را اجرا کند (Tonry & Frase, 2001: 78).

۳-۳- دولت اقتدارگرا

در این مدل، دولت براساس اصول اقتدارگرایی عمل می‌کند و تمرکز اصلی آن بر حفظ امنیت و نظم اجتماعی است. در این مدل، رسانه‌ها نقشی فعال در ترویج سیاست‌های دولت و تأمین تأیید عمومی برای آن‌ها دارند. آن‌ها مسؤولیت اطلاع‌رسانی به شهروندان را دارند، اما ممکن است در تحریف و منحرف کردن اخبار به منظور حفظ قدرت و اقتدار دولت نیز دخالت کنند. سیاست جنایی در این مدل براساس منافع دولت و حفظ قدرت آن تعیین می‌شود. در اینجا، سیاست‌های جنایی به منظور حفظ نظم و امنیت دولت و قدرت آن اتخاذ می‌شود و ممکن است حقوق شهروندان در فرآیند قضایی و تعامل با سازمان‌های اجرایی دست کم گرفته شود.

بنابراین مدل دولت اقتدارگرایی فراگیر می‌تواند منجر به تحریف اخبار و نقض حقوق شهروندان در فرآیند قضایی شود. در این مدل، رسانه و مدل‌های سیاست جنایی براساس اهداف دولت عمل می‌کنند و حفظ حقوق شهروندان و اطلاع‌رسانی صحیح ممکن است دست کم گرفته شود (Lianosm & Douglas, 2000: 261-287).

۳-۴- دولت فراگیر

مقصود از این الگو گذشته از جهان‌بینی حاکم بر آن غلب یک رویکرد واحد و عمل به آن با استفاده از تعقیب و سرکوب کلیه رفتارهای متفاوت از هنجارهای اولیه بدون تفکیک جرم از انحراف است تا آنجا که تمام افراد در یک کل متجانس ادغام شوند و بدین‌گونه یکسان بیندیشند و اقدام کنند، با توجه به این تعریف چنین به نظر می‌رسد که در این سیاست جنایی تفاوت قائل شدن بین دو مفهوم انحراف و جرم امری است محال و به نوعی می‌توان گفت پاسخ به دو مفهوم یادشده صرف نظر از شدت واکنش یکسان و از جنس مجازات می‌باشد. هدف این سیستم ایجاد یک جامعه یکپارچه با الگوی دولتی بوده و سیاست جنایی آن مضیق و ابزارش نوعاً سرکوب‌گرایانه است (مهدوی‌پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۳: ۱۸۸-۱۵۹).

وجود سازمان‌های تخصصی بر نحوه فعالیت گروه‌ها مخل نظام قابل توجیه است، چراکه این گروه‌ها باید هم آزادی مدنی و سیاسی مردم را تضمین نمایند و هم این‌که بتواند استواری و ثبات حکومت را برقرار نمایند، وجود تشکیلات خاص قبل از ارتکاب جرایم ضرور است (چگینی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). از دلایل مهمی که در این عرصه می‌توان به آن اشاره نمود، این است که دیوان عالی کشور به‌عنوان مهم‌ترین نهاد نظارتی قوه قضاییه امکان نظارت بر این دسته از سازمان‌ها را نخواهد داشت، چراکه به‌مانند دادرسی و دادگاه‌ها زیر نظر قوه قضاییه نخواهند بود.

۳-۴- چالش‌های مرتبط با نظارت

نظارت بر احکام دادگاه‌ها و صدور آرای وحدت رویه و اصراری مبتنی بر این تئوری است که دیوان مرجع عالی است و نظرات او منعکس‌کننده سیاست جنایی قضایی به‌طور کلی می‌باشد. نظم و امنیت در هر حکومتی نیازمند آن است که دستگاه قضایی از سلامت و استقلال کافی برخوردار باشد و احترام قضات در تمامی اعصار اصل استقلال و احترام به دستگاه قضایی، حتی در طوفان‌های اجتماعی و انقلاب‌های سیاسی که وزرا و رجال مقتدر مملکت دستخوش مصادره اموال و یا گرفتار زندان و شکنجه و حتی اعدام می‌شدند، استقلال و احترام قضات همچنان محترم و محفوظ و مصون از هر گزند و تعرض بوده، ولی در سال‌های گذشته، این استقلال و ثبات در دستگاه قضایی با قوانین اصلاحی فراوان و مداخلات سیاسی و حتی نظامی در دستگاه قضایی و عمل در دیوان عالی کشور به خصوص در جرایم علیه امنیت تضعیف شده است. برای این‌که دادگستری و دیوان عالی کشور به عدالت واقعی نزدیک شود و اجتماع ما را به حفظ دستگاه قضا و جلب اعتماد عمومی امیدوار سازد و جلوگیری از ناامن بودن جامعه نماید، باید متولیان امور مملکتی مقام و موقعیت و استقلال مطلق دادگستری و قضات آن را به رسمیت بشناسند (مجیدی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۰۲). باتوجه به این مرجع تجدید نظر جرایم امنیتی در بیشتر موارد دیوان عالی کشور است و دیوان به‌جهت سیستم رسیدگی خود که علی‌القاعده متشکل از قضات عالی و مجرب می‌باشد، در نتیجه اشکالات وارده بر رسیدگی توسط محاکم بدوی انقلاب تا حدود زیاد رفع خواهد شد.

پذیرفته، درحقیقت به دلایل مختلف مانند ابهام در قانون، عدم تعیین مصادیق جرایم علیه امنیت و ضعف‌های دیگر در قانون‌گذاری این جرایم، دیوان عالی کشور نیز دچار سردرگمی در تعیین صلاحیت محاکم انقلاب شده است. از مهم‌ترین وظایف دیوان عالی کشور حل اختلاف درخصوص صلاحیت محاکم است، گاهی این عملکرد دیوان به‌نحوی است که در جرایم علیه امنیت ممکن است موجب ایجاد چالش‌هایی در فرآیند رسیدگی و یا حقوق متهمان یا محکومان نماید و نیز اصول دادرسی عادلانه نادیده گرفته شود. در یکی از آرای دیوان که بیان داشته است، سرعت مسلحانه از بانک و سلاح کشیدن به طرف کارمندان مصداق من جردالسلاح لاخلافه الناس است، بنابراین رسیدگی به جرم ارتكابی در صلاحیت دادگاه انقلاب است (کلانتری و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۷۱).

۲-۴- چالش‌های مرتبط با آیین رسیدگی

هرچند امنیت‌مداری در جرایم علیه امنیت به‌نظر می‌رسد که موضوعی طبیعی باشد و لازمه این سیاست کیفر باشد، ولی نباید فراموش کرد که در این رویکرد، میزان خاصی از تشدید امنیتی وجود دارد که در نهایت عاملی خواهد شد که می‌تواند به نقض اصول دادرسی عادلانه و عدم کارآمدی در پیشگیری در سیاست جنایی منجر شود. قوانین آیین دادرسی کیفر هر کشور به‌عنوان معیار، نماد و میزان پایبندی دولت‌ها به اصول انسانی، از جمله آزادی‌های بنیادین و حقوق شهروند محسوب می‌شود (کرامتی‌معز و حسن‌آباد، ۱۴۰۰: ۹). آیین دادرسی از عناصر مهم و مؤثر تصمیم‌گیری مسؤولان سیاست جنایی می‌باشد. قواعد آیین دادرسی در تدوین سیاست جنایی در جرایم علیه امنیت جایگاه بااهمیتی را به خود اختصاص می‌دهند، سازماندهی و انتخاب این آیین باید بر طبق انتخاب‌های اساسی صورت گرفته باشد. تدوین و وضع مقررات برای حقوق دفاعی، جایگاه سلب یا تجدید آزاد قبل از محاکمه، صلاحیت دادگاه‌ها عمومی و اختصاصی، ایجاد یا حذف دادگاه‌های اختصاصی و تسری در رسیدگی و از این قبیل موارد را شامل می‌شود. مراحل مختلف رسیدگی به جرایم علیه امنیت لزوماً باید توسط دیوان عالی کشور مورد نظارت قرار بگیرد. در مرحله کشف جرم و تعقیب به‌دلیل تخصصی بودن تحقیقات و کشفیات و ضرورت اشراف بر موقعیت و استراتژی گروه‌ها و اشخاص مخل نظام حاکم

نتیجه‌گیری

سیاست جنایی امنیت‌مدار (تسامح صفر) راهبردی است که به موجب آن متولیان سیاست‌گذاری کیفری در جهت تأمین امنیت و مبارزه با جرایم و مجرمان، رهیافت‌های سختگیرانه‌ای را تدوین و به اجرا می‌آورند. سیاست جنایی امنیت‌مدار، با فرض دشمن‌دانستن بزهکاران، به تشکیل نوعی حقوق کیفری دشمن مدار همت گمارده است و حتی از رهگذر جهانی‌شدن جرایم و نقض فاحش امنیت ملی و بین‌المللی، سیاست جنایی جهانی به دنبال تضمین امنیت حداکثری است، لیکن این مقوله به‌طور هم‌زمان با معضلات و چالش‌های فراوان حقوق بشری روبه‌رو گردیده که دستاوردهای رویکرد امنیت‌گرا را تحت‌الشعاع قرار داده است. به‌نظر می‌رسد سیاست جنایی امنیت‌گرا با شعار تأمین حداکثری امنیت شهروندان، بیشتر دچار نوعی بحران، خصوصاً در عرصه نظام حقوق بشری گردیده است تا این‌که در راستای اهداف خود به موفقیت نائل آمده باشد، این‌که آیا سیاست جنایی امنیت‌گرا در رویارویی با معضلات جدی می‌تواند به اهداف خود نائل گردد. امنیت‌گرایی، راهبردی است که نفوذ موفق و قابل قبول آن در عرصه سیاست جنایی حاکم بر جامعه مستلزم هم‌پوشانی و انطباق با موازین حقوق بشری محدودکننده و رعایت حریم خصوصی و منزلت ذاتی انسان‌هاست، لذا چنان‌چه گفتمان امنیت‌گرایی بنا به هر دلیلی نتواند اصول حقوق بشری مورد تأکید را تأمین و ضمانت کند، هرگز سیاستی موجه نبوده و در بلندمدت در مسیر مبارزه با معضل پدیده جنایی با شکست و ناکامی مواجه خواهد شد. توجه به شرایط زمانی و مکانی مختلف و رعایت مفاد اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، گزاره‌ای است که شرط مثبت جلوه کردن کیفیت تعامل و برهم‌کنش سیاست جنایی امنیت‌گرا و موازین و اصول حقوق بشر بوده و می‌تواند به رفع بسیاری از موانع موجود فراروی چنین تعاملی کمک شایانی نماید. امنیت‌گرایی، ضرورت استناد به هنجارهای فرهنگی در سیاست جنایی، کارناوالی‌شدن پدیده مجرمانه، فاصله‌گرفتن فرهنگ حاکم از فرهنگ غیررسمی، ظهور خرده‌فرهنگ‌های جدید و سبک‌های جدید زندگی فردی و اجتماعی، از مهم‌ترین نمونه‌های این چالش‌ها محسوب می‌شوند. سیاست امنیت‌گرایی موجود، به‌دنبال خود، دیدگاه امنیتی را در

سیاست‌گذاری‌های جنایی تقنینی و جرم‌شناسی حاکم کرده و از این رهگذر، حقوق و آزادی‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین حریم خصوصی شهروندان را با توسل به جرم‌انگاری حداکثری (سیاست تسامح صفر)، استفاده ابزاری از حقوق کیفری و دشمن‌انگاری بزهکار، مورد تهدید قرار داده است، بنابراین کلیه خرده‌فرهنگ‌های کوچک به حاشیه رانده شده و به آتش زیر خاکستر تبدیل شده‌اند. پیشنهاد می‌شود در طبقه‌بندی جرایم به نتایج زیان‌بار جرایم توجه شود و ثمرات جرایم براساس اولویت بین‌المللی، ملی، استانی، شهر، منطقه‌ای و محله‌ای دسته‌بندی شده و مجازات نیز براساس اولویت مذکور تعیین شود، نه آن‌که جرایمی مانند قدرت‌نمایی با اسلحه در یک محله کوچک با مجازات محاربه و اعدام و مجازات جاسوسی در بالاترین سطح با چند سال حبس مواجه شود. از طرفی در یک اصلاح رویکردی، ثمره جرم مورد توجه قرار گیرد و رویکرد قانون‌گذار از توجه به جرایم سخت و بی‌توجهی به جرایم نرم اصلاح شود، چراکه ممکن است ثمرات بسیاری از جرایم نرم به‌مراتب زیان‌بارتر از جرایم سخت باشد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: به‌صورت برابر بوده است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- افراسیابی، صابر و خوئینی، غفور (۱۳۹۸). «مبانی قانونی و اخلاقی جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران». نشریه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۴(۴): ۱-۶.

- کونانی، سلمان؛ انصاری، جمال؛ مندنی، اسلام و گلدوزیان، ایرج (۱۴۰۰). *سیاست جنایی (از گفت‌وگو تا برساخت‌هایی ریزومیک شده و ناروا)*. چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

- کونانی، سلمان؛ میرکمالی، علیرضا؛ و حشمتی دیبا، امیر (۱۳۹۱). «بر هم کنش موازین حقوق بشر و سیاست جنایی امنیت‌مدار در افق قواعد حقوق بین‌الملل (با تأملی بر قانون میهن پرستی آمریکا)». *مجله مطالعات پلیس بین‌الملل*، ۱۱(۲): ۴۱-۶۳.

- مجیدی، سیدمحمود و تاج‌آبادی، فاطمه (۱۳۹۸). «تکنیک‌های جرم‌انگاری امنیت‌مدار در حقوق کیفری ایران». *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۲۱(۳): ۲۸۹ - ۳۱۶.

- محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۲). *مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌انگاری*. رساله‌ی دکتری به راهنمایی استاد محمد آشوری، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- مندنی، اسلام و آشوری، محمد (۱۳۹۷). «تحلیل سیاست جنایی امنیت‌مدار در پرتو اصول اخلاقی و موازین حقوق بشری». *مجله پژوهش‌های اخلاقی*، ۳۳(۳): ۱۸۳ - ۲۰۴.

- مهدوی‌پور، اعظم و شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۳). «امنیتی شدن جرم‌شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری». *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۵(۱): ۱۵۹-۱۸۸.

- میری، حجت؛ حیدری، مسعود و شادمانفر، محمدرضا (۱۴۰۱). «تبیین سیاست جنایی ایران از منظر اصول و مبانی جرم‌انگاری و کیفرانگاری با بررسی موردی برخی مصوبات مقنن داخلی». *مجله پژوهش سیاسی بین‌المللی*، ۱۳(۵۱): ۲۵۹-۲۸۲.

ب. منابع انگلیسی

- Bagaric, M (2001). *Punishment and sentencing a rational approaches*. London: Gavendish Publication

- Gaishankar, E (2011). *Cyber Criminology*. New York: CRC Publication.

- Galeotty, M (2005). *Global Crime today - The Challenging Fase of Organised Crime*. 2nd Ed., New York: Routledg Publication

- بهادران، سارا و افاسی، علیرضا (۱۳۹۹). «سیاست جنایی امنیت‌مدار از تئوری تا عمل». *مجله مطالعات حقوق*، ۷(۱): ۸۵-۹۴.

- چگینی، رثوفه (۱۳۹۲). *سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در قبال جرم برانداز نظام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۴۰۲). *اصلاح مجرمان در سیاست جنایی اسلام*. چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- دلماس مارتی، میری (۱۳۹۵). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

- رضائی تودشکی، حسین؛ باقی‌زاده، محمدجواد و مجیدی، سیدمحمود (۱۴۰۲). «جلوه‌های ظهور جرم‌انگاری امنیت‌مدار در جرایم علیه امنیت در حقوق کیفری ایران». *مجله پژوهش‌های اخلاقی*، ۵۳: ۱۳۷ - ۱۵۸.

- علی‌نژاد ساروکلائی، عارف (۱۳۹۰). *سیاست جنایی امنیت محور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد مهرداد رایجیان اصلی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.

- فرآنکواس، کاتیا (۱۳۹۲). *جهانی‌سازی و جرم*. ترجمه یوسف بابایی و عباسی اصلی، چاپ دوم، تهران: نشر مجد.

- قناد، فاطمه (۱۳۹۶). «امنیت‌گرایی سیاست جنایی». *نشریه پژوهش‌های حقوق کیفری*، ۱۸: ۶۷-۳۹.

- کرامتی مدز، هادی و حسن‌آباد، عبدالرحمن (۱۴۰۰). *سیاست کیفری سخت‌گیرانه در آیین دادرسی کیفری ایران*. چاپ دوم، تهران: انتشارات مهر کلام.

- کلانتری، سیدنصیر؛ شاطری‌پور اصفهانی، شهید و سپهری، روح‌الله (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی جرم‌انگاری امنیت‌مدار در جرایم علیه امنیت ملی (مطالعه موردی حقوق کیفری ایران و فرانسه)». *مجله جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۲۸(۳): ۵۶۱-۵۷۲.

- Greenberg, J & Brotman, E (2014). "Stric vicarious liability for corporation and corporate executives stretching the boandries of criminalization". *Journal of American Criminal Law Review*, 13(51): 79-98.
- Greenwoog, P (2006). *Delinquency Prevention as crime - controle policy*. Chicago: Publication of Chicago University.
- Lianosm, M & Douglas (2000). "Dangerization and the end of deviance". *British Journal of Criminology*, 15(40): 261-287.
- Mill Stuart, J (1859). *On liberty Sakidjo Auran & Poernomo-Bambang - Hukum Pidana*. 2nd Ed., London: Chalia Indonesia.
- Rabinson, G & Crown, L (2009). *Offender Rehabilitation*. New York: Sage Publication.
- Rafer, N & Brown, M (2011). *Criminology goes to the movies*. New York: New York University Press.
- Summers, S (2007). *Fair Terial*. New York: Hart Published.
- Tilly, N (2012). *Crime Prevention*. New York: Willan Published.
- Tonry, M & Frase, R (2001). *Sentencing and sanction in western countries*. New York: Oxford University Press.